

پدر بزرگ مهدی زارعی دامپروری دارد اما مهدی در فکر پرورش اسب و مرغ و خروس لاری است. او در هنرستان پرورش مرغ و خروس لاری را آموخته و حالا خودش در روستایشان این کار را انجام می دهد. مهدی با خوشحالی می گوید: الان هفت جوجه دارم و هفته پیش یکی از آن ها را یک میلیون تومان فروختم. مهدی در مرور خاطر آتش به نمره های کلاس های عملی شان اشاره می کند و می گوید: برای یکی از درس ها، معلم گفت پنج نمره کلاس عملی تان این است که نیش زنبور بخورید. من در آن درس سه قسمت دستم و یک قسمت چشمم نیش زنبور خورد؛ به معلم می گفتم اگر هر نیش پنج نمره داشته باشد، من باید نمره بیست این درس را بگیرم.

این خاطره او، ما را به سمت کندوهای سید حسین برکاتی می برد. او از سال گذشته هشت کندو به اینجا آورده است تا کنار کارهای دیگر، زنبورداری را هم یاد بگیرد. کنار همین کندوها و زنبورها با سید حسین صحبت می کنیم. او در کلاس دهم درس می خواند و امیدوار است تا دو سال آینده خیلی چیزها یاد بگیرد. سید حسین پرورش شتر مرغ را هم یاد گرفته و در آن به قول خودش نیمه ما هر است. او پرندگان زینتی هم پرورش می دهد اما هنوز به خوبی این کار را نیاموخته و تا حالا پرندگانش تلفات داشته اند. حسین علاقه بسیار به یادگیری زنبورداری دارد؛ زیرا نیاز به وقت کمی دارد و کنار کارهای دیگر، می تواند آن را انجام دهد. علی یوسفی که با روپوش سفید روی کندوها نشسته است، با وجود مخالفت پدر و مادرش، آن قدر به این عرصه علاقه داشته که آن ها را راضی کرده و در حال تحصیل در رشته امور دامی است. او در هنرستان بارشته پرورش اسب آشنا شده است اما چون در اینجا تجهیزات مربوط به اسب را ندارند، از طریق یک باشگاه خصوصی مشغول یادگیری مربیگری و اصول پرورش اسب است. او تصمیم دارد سال آینده در همین هنرستان، اسطبل و فضای سوار کاری را هم یاد کند تا دانش آموزان بعدی، مثل او مجبور به رفتن به باشگاه های خصوصی نباشند.



تعمیرگاه سیار علی و برادرش

علی صوفی و برادرش در پایه دهم و دوازدهم رشته ماشین آلات درس می خوانند. هر دو در کار تعمیر موتور ماشین های دیزلی و پمپ های هیدرولیک وارد هستند. پدرشان دستگاه بیل مکانیکی دارد و هر وقت دستگاه پدر یا همکارانش خراب شود، با این دو برادر تماس می گیرند. علی صندوق عقب پژو ۴۰۰ پدرش را باز می کند و جعبه ابزارهای مختلف را که در آن است، نشانمان می دهد و می گوید: این تعمیرگاه سیار ماست. هر جا وسیله ای خراب باشد، می رویم و تعمیرش می کنیم.

وقتی از علی می پرسیم درس خواندن در هنرستان چه فوایدی برای او داشته است، می گوید: مکانیک های قدیمی و تجربی، اسم قطعات جدید را نمی دانند اما مادر هنرستان، اسم های جدید قطعات و ابزار آلات را یاد می گیریم و به دستگاه های جدید واردتر هستیم. برادرش هم ادامه می دهد: ما کنار درس، کار می کنیم و درآمد داریم. تجربه هم کسب می کنیم. بعد از فارغ التحصیلی دیگر نگران بیکاری نیستیم. این مهارت دانش آموزان به راحتی به دست نیامده است. آن ها به قول خودشان خراب کاری هم زیاد داشته اند. علی تعریف می کند: وقتی قطعات بیش از حد سفت یا شل بسته شود، دستگاه درست کار نمی کند و مشکلات بعدی را به دنبال دارد. بعد هم با خنده پشت گردن دوستش می زند و می گوید: مثل این آقازاده که دار پیچ را زیاد سفت می کند و بعد که دستگاه شروع به کار کند، می شکند. علی و رضا کمی سر به سر یکدیگر می گذارند و بعد علی به بیلبور قرمزی که روی میز قرار دارد، اشاره می کند و می گوید: همه کارهای این قطعه را دانش آموزان با کمک معلم انجام داده اند. صاف کاری، بتونه کاری، رنگ آمیزی و مکانیکی آن، همه اش به دست خودمان انجام شد. خیلی خوش گذشت.



فارغ التحصیلی که کار آفرین شد

بخش دیگری از فضای هنرستان کشاورزی به گلخانه ها و دانش آموزان رشته های امور باغی اختصاص دارد. در گلخانه ها، دانش آموزان کشت انواع گل و گیاه و نشراریادی می گیرند. سید محمد عرفان رضوی همراه دوستش، امیر علی صبوری، در یکی از این گلخانه ها مشغول کارند. آن ها برای عید هشتصد سبزه تولید کرده و فروخته اند. البته غیر از این هشتصد سبزه، کلی هم ضرر کرده اند. گندم و جوهار از یاد نم کرده اند که منجر به پوسیدگی آن ها شده است. یک بار هم دمای گلخانه را بالا برده بودند که باز هم سبزه هایشان کپک زده بود. اوایل وقت و بی وقت قلمه می زدند اما حالا می دانند که قلمه زدن هم زمان های خاص خودش را دارد. آن ها حالا فوت و فن های کار را یاد گرفته اند و به قول خودشان می توانند از پس اداره کردن یک گلخانه برآیند. علی اطمینان هم از دیگر دانش آموزان این رشته است. او تعدادی از دوستانش در حال آماده کردن گلدان های دیش گاردن (ترکیب چند کاکتوس در یک گلدان) برای یکی از هتل های معروف مشهد هستند. رضاصادقی از فارغ التحصیلان سال ۹۹ هنرستان کشاورزی است که در دانشگاه هم در رشته امور باغی تحصیل می کند. او صدمتر از زمین های گلخانه هنرستان را اجاره کرده است و همراه پدر و مادر و برادر کوچکش مشغول کار و کسب درآمد آن هستند. او می گوید: اوایل اشتباهاتی داشتم که همه می خندیدند، اما الان دارم از این گلخانه خرج خودم و پدر و مادرم را درمی آوریم. سعید یوسفی از دیگر فارغ التحصیلان هنرستان است که اسمش خیلی بر سر زبان ها است. موفقیت های چشمگیر او که تعریفش را می کنند، باعث می شود سری به گلخانه اش در حاشیه بولوار میثاق بزنیم. پدرش در گلخانه نشسته است و بعد از اینکه خودمان را معرفی می کنیم، به سعید زنگ می زند و چند دقیقه بعد، او خودش را می رساند. سعید آقا که اکنون سه گلخانه دارد، می گوید: پدر و مادرم علاقه داشتند من دنبال کار دولتی بروم اما خودم به گل و گیاه علاقه داشتم و وارد این عرصه شدم. سختی هایی را تحمل کردم، اما خدا را شکر الان دارم بهره اش را می برم. او در حالی که دارد گلخانه را آب پاشی می کند، ادامه می دهد: گل به سرما و گرما حساس است. یک ساعت غفلت، خسارت های جبران ناپذیری به بار می آورد. اوایل خیلی ضرر کردم. قبل از اینکه گلخانه احداث کنم، کنار خیابان گل می فروختم. مدیر هنرستان لطف کردند به من جادادند و در آن گلخانه زدم. سال اول کلا ضرر کردم و حتی هزینه اجاره گلخانه را نتوانستم بدهم اما از سال بعد کار دستم آمد. کم کم یک گلخانه را سه گلخانه کردم و الان هم می خواهم دو تا از گلخانه های اینجای تعطیل کنم، چون یک گلخانه هزار متری در شمال راه اندازی کرده ام. سعید آقا برای شش نفر به طور مستقیم کار آفرینی کرده است و کارگران فصلی متعددی هم در زمان های مختلف در گلخانه هایش مشغول کار می شوند.

آب شدن کلاس ها

بعد از سعید آقا قراری با ابوالفضل رشید نیا، مدیر هنرستان کشاورزی، داریم. به گفته او این هنرستان از سال ۱۳۴۲ تأسیس شده، تنها هنرستان کشاورزی هفت ناحیه مشهد و شهرستان های شمال و شرق خراسان رضوی است و در حال حاضر هفتصد دانش آموز در آن تحصیل می کنند که ۱۲۵ دانش آموز از شهرستان ها هستند و در خوابگاه هنرستان اقامت دارند. رشید نیا می گوید: این هنرستان سال ۱۴۰۰ توسط دبیرخانه کارآفرینی کشور به عنوان هنرستان نمونه کارآفرینی معرفی شده است.



او در عین حال دغدغه ها و نگرانی هایی هم دارد. به گفته رشید نیا سال ۱۳۴۲ که هنرستان کشاورزی تأسیس شد، مجموع زمین هایش ۱۲۰ هکتار بود، اما طی این سال ها از آن کاسته شده و اکنون به پنجاه هکتار رسیده است. او می گوید: بر اساس استانداردهای دفتر تألیف کتب فنی حرفه ای و کارودانش، در حال حاضر خیلی کمبود زمین داریم ولی با وجود این باز هم عده ای گمان می کنند زمین های فعلی ما مازاد است. حتی می خواستند این زمین ها را تبدیل به دهکده المپیک وارد و نگاه کنند که با مقاومت زیاد نگذاشتیم. این اتفاق بیفتد. او تأکید می کند: زمین های ما کلاس درس دانش آموزان مان است و باید با توسعه زمین و تجهیزات، سطح آموزشی را بالا ببریم.

